

۱

کارگران و زحمتکشان متحد شوید



بیانیه

اعلام برنامه (هویت)

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

تیر ۶۲

جنبیش کمونیستی ایران تاریخ پر فراز و نشیبی داشته است، این جنبیش از شکل‌گیری اولین هسته‌های سویاال دمکراسی تا امروز راهی سخت و دشوار را پشت سر گذرانده است. در مسیر این راه سخت و طولانی اگر بی عملی، تسلیم طلبی و خیانت رهبران حزب توده در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به عنوان یک نقطه عطف منفی و آغاز یک شکست استراتژیک مشخص می‌شود، جسارت، شجاعت و اعتقاد به راه پرشکوه مبارزه برای رهائی از قید هرگونه ستم و استثمار توسط مارکسیست – لنینیست‌های انقلابی در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ به عنوان یک تولد نوین و آغاز پروسه‌ای جدید در جنبش کمونیستی ایران مشخص می‌شود. چریک‌های فدائی کبیر و ارزشدهای همچون رفقای شهید علی‌اکبر صفائی فراهانی، مسعود احمدزاده، امیر پرویز پویان، اسکندر صادقی‌نژاد، عباس مفتاحی و رهبر و فرماندهی شهید ما حمید اشرف با خون خود تمام آلدگی‌ها، رذالت‌ها و عوارض منفی خیانت‌های حزب توده را پاک نمودند و جنبشی با اصالت، عمق و وسعت پایه‌گذاری کردند. جرقه‌ای که در سیاهکل روشن شد و بدنهای آن عملیات انقلابی پیشگامان جنبش انقلابی ایران، مشت رفرمیست‌ها و اپورتونیست‌ها را باز نمود. اپورتونیست‌ها بی‌عملی حسابگرانهی خود را با تئوری‌های انحرافی توجیه و با درازگوئی و پرمدعائی، نیروهای جنبش کمونیستی را به گمراهی سوق می‌دادند. مبارزه‌ی مسلحهای پیشگامان انقلابی راه را بر این مدعیان دروغین مارکسیست – لنینیست مسدود نمود. اکنون که پس از گذشت این سال‌ها به گذشته می‌نگریم و علیرغم مرزبندی که نظرات رفیق کبیر فدائی

شهید بیژن جزئی با نظرات رفای کبیری همچون فدائی شهید مسعود احمدزاده دارد، این را می‌دانیم که بدون درسگیری و جمع‌بندی دقیق راهی که از سیاهکل آغاز شد و بدون تائید مبارزه‌ای که ضرورت‌های آن زمان ایجاد می‌کرد (نقش محوری و استراتژیک مبارزه‌ی مسلحه طی سال‌های ۴۹ تا ۵۷) هرگز نه قادر به خلاصی از بحران کنونی جنبش کمونیستی و نه قادر به شرکت فعال در جنبش توده‌ای و کارگری و نه قادر به تشکیل حزب کمونیست خواهیم بود. ما اکنون به مرحله‌ای رسیده‌ایم که می‌توانیم از شکست‌های پی‌درپی جنبش کمونیستی طی چهار سال گذشته بیاموزیم و با انتکاء به پتانسیل قوی اجتماعی که محصول مبارزه و خون پر ارزش‌ترین رفقاء‌یمان طی سال‌های ۴۹ تا ۵۷ و بعد از آن تاکنون می‌باشد و با انتکاء به مارکسیسم – لینینیسم نه به مثابه‌ی یک "شریعت جامد" بلکه به مثابه‌ی "رهنمون عمل" این راه را در مسیری سخت، طولانی و پیچیده طی نمائیم. اگر برنامه‌ی فوق که محصول جمع‌بندی پزاتیک بخش وسیعی از جنبش کمونیستی ایرانست بتواند در این راه کامی هر چند کوچک بردارد، ما به سهم خود وظیفه‌ی خود را در قبال خون رفقاء‌یمان و مبارزه‌ی محرومان و ستم‌دیدگان جامعه انجام داده‌ایم. ما اصول اساسی این برنامه را اولین گام در جهت برونو رفت از بحران (بی‌هویتی) جنبش کمونیستی ایران می‌دانیم و آن را به همه‌ی رزمندگان راه رهائی کارگران و زحمتکشان و همه‌ی انقلابیونی که در سنگرهای مستحکم انقلاب خلق‌های ایران به مبارزه ادامه می‌دهند و همه‌ی شهدای راه آزادی ایران تقدیم می‌کنیم.

ما از همه‌ی رفای فدائی و انقلابیون کمونیست که طی مبارزه در چهار سال گذشته به عمق بحران ناشی از بی‌برنامه‌گی و فقدان خطوط مرزهای صریح و معین پی‌برده و با برنامه‌های انحرافی راست و "چپ" مزبوری دارند، می‌خواهیم که پیرامون این برنامه متشکل شوند. ما از طرفداران نظرات فدائی شهید رفیق کبیر بیژن جزئی می‌خواهیم که با تعمق در جوهر نظرات وی و درگ عمیق برنامه‌ی فوق به صفوپ ما بپیوندد.

ما که بیش از هر نیروی مارکسیستی – لینینیستی دیگر رنج پراکنده‌ی را در صفوپ خود درگ کرده‌ایم، ما که مارکسیسم را نه فقط یک ایدئولوژی علمی بلکه یک شور و شوق انقلابی برای تغییر شرایط کنونی می‌دانیم، ما که بخوبی می‌دانیم برای تغییر شرایط کنونی به اراده‌ی واحد انقلابی

احتیاج داریم؛ این را هم درگ می‌کنیم که این اراده‌ی واحد مخصوص درگ واحد از شرایط مشخص اجتماعی است. از این رو مرزبندی‌های موجود در این برنامه نشان‌دهنده‌ی درگ ما از شرایط مشخص جامعه و چگونگی وضعیت عینی طبقات اجتماعی در ایران می‌باشد. ما ایمان داریم که نیروهایی که با گام‌های سنجیده و مستحکم در جهت تحقق این برنامه متشکل و به مبارزه ادامه می‌دهند قادر به انجام وظایف تاریخی خود می‌باشند.

ما بویژه از کارگران پیشو ایران که عملاً بیلان کار سازمان‌های مدعی دفاع از منافع طبقه‌ی کارگر را مشاهده نموده و بیش از این نمی‌خواهند دنباله‌مروی تئوری‌های اپورتونیستی راست و "چپ" که نمایندگان بر جسته‌ی آن، خائنان توده‌ای و اکثریتی از یک طرف و پیکاری‌ها و تروتسکیست‌ها و التقاطیون رنگارنگ از طرف دیگر باشند، با پذیرش این برنامه به مداخله‌ی جدی در امور مبارزه‌ی طبقاتی اقدام نمایند. مبارزه‌ی سخت و دشواری که در پیش است، چشم‌اندازهای روشی را نوید می‌دهد. پیکار سهمگینی که بار عظیم آن اکنون بر دوش محرومان و ستمدیدگان جامعه‌ی ما سنگینی می‌کند، صبح روشی را نوید می‌دهد. انقلاب در چهار گوشی جهان درفش رهائی را به اهتزاز درآورده است. پیروزی‌های چشمگیر توده‌های محروم سراسر جهان و مبارزه‌ی برق مردم ستمدیده‌ی ما نشان می‌دهد که تاریخ "توالی چشم‌اندازهای بی‌بازگشت است".^(۱) پس بکوشیم تا پوزه‌ی امپریالیسم و ارتقای را بر خاک مالیم و با پیروزی بر دژخیمان و راهزنان امپریالیستی در جهت تحقق هر چه بیشتر وحدت کارگران و خلق‌های سراسر جهان موثر باشیم.^(۲)

بخش اول: اصول ایدئولوژیک-سیاسی

۱ - دوران ما، دوران پرتلاظم انقلابات در سراسر جهان و رهائی محرومان از سلطه‌ی استعمار و ستم امپریالیسم، دوران انقلابات پرولتاری و رهائی بخش خلق‌های سراسر جهان و دوران فروپاشی و اضمحلال استعمار کهن، دوران فروپاشی جهانی امپریالیستی و گسترش و بالندگی سوسیالیسم در سراسر جهان^(۳)، دوران پیشرفت و گسترش مبارزه‌ی دموکراتیک برای صلح و تشنج‌زدایی است. مضمون اساسی دوران معاصر، گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است^(۴). و تمام دگرگونی‌های اجتماعی،

علمی و فنی در این راستا قرار دارد. مجموعه‌ی تحولات این دوران را مبارزه برای رهائی (استقلال ملی)، دمکراسی، صلح و سوسیالیسم (۵) تشکیل می‌دهد. امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و نام مرتعین وابسته بدان در مسیری میرنده و زوال یابنده قرار گرفته و نیروهای جهانی انقلاب در مسیری بالنده و رشد یابنده قرار دارند. طبقه‌ی کارگر بین‌المللی در راس این دوران و نیروی اصلی و تعیین‌کننده در صف نیروهای جهانی انقلاب است. لینینیسم، مارکسیسم عصر کنونی و انقلاب کبیر اکبر، مهمترین تحول (۶) در آغاز عصر کنونی است.

۲ - بحران عمومی امپریالیسم در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک عمق و وسعت گرفته و تضادهای بین امپریالیست‌ها و نیز تضاد بین انحصارات داخل یک کشور امپریالیستی (۷) بیش از پیش حدت می‌یابد. و خامت اوضاع اقتصادی، ناموزونی آهنگ رشد، تورم مزمن، فقر، رکود اقتصادی، بیکاری و فلاکت کارگران و تولیدکنندگان کوچک، فحشاء، بالا رفتن هزینه‌ی زندگی و نیز بحران محدودیت بازارها، نمودهای باز رخدت گیری تضادهای طبقاتی و تضادهای درونی سیستم جهانی امپریالیستی می‌باشد. از این رو جنگهای امپریالیستی چه به صورت جهانی و چه به صورت منطقه‌ای هر چندگاهی اجتناب‌ناپذیر خواهد شد. مبارزه‌ی دمکراتیک برای صلح بوسیله‌ی نیروهای جهانی انقلاب اگر چه تا حدودی قادر به کنترل جنگ‌افروزی امپریالیست‌ها بوده است، ولی تعادل قوا در سطح جهانی به شکلی است که هنوز گرایش اصلی و ذاتی امپریالیسم به جنگ و توسعه‌طلبی، امکانات بروز وسیع دارد. از این جهت مبارزه برای صلح، تشنجه‌زدایی و خنثی کردن توطئه‌های جنگ‌افروزانه‌ی امپریالیست‌ها بر بستر استراتژی انقلابی برای نابودی امپریالیسم و سرمایه‌داری انحصاری نقش حیاتی دارد.

۳ - رهائی طبقه‌ی کارگر ایران می‌تواند فقط بدست خود طبقه‌ی کارگر صورت گیرد. تمام طبقات دیگر جامعه در اساس خواهان حفظ مناسبات سرمایه‌داری هستند. طبقه‌ی کارگر این رهائی را اساسا با یک انقلاب اجتماعی مقدور می‌سازد.

توسعه‌ی بین‌المللی مناسبات سرمایه‌داری و ستیز (۸) بین نیروهای تولیدی و مناسبات سرمایه‌داری که با اجتماعی شدن هر چه بیشتر تولید و

خصوصی شدن هر چه بیشتر مالکیت و تبدیل هر چه بیشتر نیروی کار به "کالا" مشخص می‌شود، از یک طرف و از طرف دیگر دستآوردهای طبقه‌ی کارگر پیروزمند در کشورهای سوسیالیستی شرایط مادی این انقلاب اجتماعی را در عصر کنونی و در مقیاس بین‌المللی فراهم ساخته است.

براین اساس پرولتاویری باید طی یک مبارزه‌ی سخت و طولانی قدرت سیاسی را بدست آورد، تا با تسلط بر جامعه و به مثابه‌ی "مغز و قلب" جامعه تمام مواعی را که بر سر راه سوسیالیسم قرار دارد برطرف نماید. "دیکتاتوری پرولتاویری پیش شرط لازم برای انقلاب اجتماعی است" و نیز طبقه‌ی کارگر نمی‌تواند به قدرت دست یابد مگر اینکه به قهر انقلابی متول شود. گذار قهرآمیز قانون عام در انقلاب اجتماعی است.

۴ - طبقه‌ی کارگر ایران که برای رهائی کامل خود مبارزه می‌کند نمی‌تواند این رهائی را بدست آورد مگر اینکه حزب انقلابی خود یعنی حزب کمونیست ایران را تشکیل دهد و با این اعتقاد که رهائی بین‌المللی طبقه‌ی کارگر در گام نخست از طریق رهائی طبقه‌ی کارگر در چارچوب "ملی" خود می‌باشد و با تحلیل مشخص از اوضاع مشخص این راه را طی نماید.

۵ - ما بمنابه‌ی یک جریان مارکسیست - لینینیست در ایران که از سنت‌های انقلابی و کمونیستی تاریخ گذشته‌ی ایران درس می‌گیریم، خود را ادامه‌دهنده‌ی راهی می‌دانیم که با ایجاد اولین هستمهای سوسیال دمکراتی در ایران آغاز شد و توسط رزمندگان دلیر سیاهکل به دوران نوینی پا نهاد. ما خود را جزئی از جنبش جهانی کمونیستی و کارگری دانسته و در راه استقلال، دمکراتی، صلح و سوسیالیسم مبارزه می‌کنیم. ما معتقدیم که بدون حفظ استقلال ایدئولوژیک و اتکاء به خود هرگز قادر به انجام وظایف انتربنیونالیستی (۹) خود نیستیم. ما استراتژی و تاکتیک خود را نه با الهام از قطب‌های جهانی کمونیستی، بلکه بر اساس شرایط عینی و ذهنی جامعه‌ی ایران و منافع اساسی طبقه‌ی کارگر و خلق‌های تحت ستم ایران اتخاذ می‌نماییم.

از این رو ما معتقدیم مبارزه برای سوسیالیزم بدون توجه به اوضاع و احوال کنونی و مرحله‌ی مشخص رشد و تکامل جامعه و نیز مناسبات اجتماعی مسلط بر جامعه‌ی ایران غیر ممکن است. ما با ذهنی‌گرایان و سکتاریست‌ها که می‌خواهند یک‌شبه ره صدساله را بپیمایند مرزبندی داشته و معتقدیم که این

مبارزه راهی سخت و طولانی است. اما این را هم تاکید می‌کنیم که مبارزه‌ی پیگیر برای استقلال و دمکراسی بمنابعی اهدافی که بدون دسترسی بدان تحقق سوسياليسم غیر ممکن است نباید مانع تبلیغ و ترویج مداوم ما در مورد آشتی ناپذیر بودن تضاد پرولتاریا و بورژوازی و نیز سوسياليسم بمنابعی قطعی ترین و نهائی ترین راه رهایی کارگران و زحمتکشان شود. از این جهت ما همچنین با نظرات سوسياليست‌های تخیلی معتقد به راه رشد غیر سرمایه‌داری بدون رهبری طبقه‌ی کارگر که نماینده‌ی برجسته‌ی آن حزب خائن توده و خائنان موسوم به اکثریت است، قاطعانه مبارزه و مرزبندی می‌کنیم.

۶ - ما که خود را جزئی از جنبش جهانی کمونیستی و انقلابی می‌دانیم معتقدیم که: سه روند انقلابی درجهان کتونی یعنی مبارزات دمکراتیک - ضد امپریالیستی ملل تحت ستم، کشورهای سوسياليستی و کشورهای مترقی و کارگران کشورهای سرمایه‌داری علیه امپریالیسم، سه روند انقلابی کل یک جریان واحد انقلاب جهانی می‌باشد که باید سیاست همکاری اصولی، برابر، انقلابی و انترناسیونالیستی با هم داشته و در راه تحقق آرمان‌های خود و با حفظ مواضع مستقل ایدئولوژیک - سیاسی و اتکاء به منافع کارگران و زحمتکشان کشور خود بکوشند. در همین رابطه ضمن اینکه ماهیت احزاب کشورهای سوسياليستی را در مجموع پرولتاری و سوسياليستی می‌دانیم اما در سیاست و ایدئولوژی مرزبندی‌های روشنی نیز با آنها قائلیم؛ منجمله در مورد حمایت از رژیم ارتقایی خمینی و یا حمایت از احزای نظیر حزب توده. از سوی دیگر ما با تزهای ارتقایی "سوسيال امپریالیسم" و یا تزهای التقاطی که نهایتاً ماهیت پدیده‌ی مورد بحث را صریح و روشن مشخص نمی‌کنند و به صرف کلی‌گوشی‌های چون "رویزیونیسم غالب"، "سلطه‌ی روزیونیسم"، "دولت کارگران و خرد بورژوازی" و نظایر آن به گیج سری در جنبش کمونیستی دامن می‌زنند، مرزبندی قاطع داریم.

۷ - میهن ما ایران یک جامعه‌ی تحت سلطه‌ی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و جزئی از سیستم جهانی نواستعماریست. مناسبات تولیدی در جامعه‌ی ایران سرمایه‌داری وابسته است.

با تحولات رفومیستی اوائل دهه‌ی چهل که در رفرم ارضی، توسعه‌ی صنایع موئیز و ... متجلی شد، وجه تولید سرمایه‌داری وابسته به جای مناسبات نیمه فئودالی بر ایران مسلط شد. فئودالیسم بعنوان یکی از

پایگاههای امپریالیسم از قدرت سیاسی و اجتماعی حذف و سرمایه‌داری وابسته بعنوان تنها کانال تامین منافع امپریالیسم درآمد. این تحول که ناشی از نیازهای سیستم جهانی امپریالیستی و در راس آنها امپریالیسم آمریکا به بازارهای جدید و نیز رشد تضادهای درونی سیستم حاکم بود، به هیچ روی در جهت منافع اساسی توده‌ها، بهبود وضعیت آنها، دگرگونی بنیادی نیروهای مولد، استقلال ملی و دمکراتیزه کردن جامعه نبود، بلکه منجر به ادغام کامل‌تر ایران در بازار جهانی سرمایه‌داری و تقسیم بین‌المللی کار گردید. وابستگی به امپریالیسم و سرمایه‌داری دو جزء ارگانیک نظام اقتصادی – اجتماعی حاکم بر ایران محسوب می‌شود. وابستگی به امپریالیسم مانع اصلی هر تحول انقلابی در جامعه‌ی ما و نقش تعیین کننده در غیر بنیادی، بیمارگونه و عقب مانده بودن نیروهای تولیدی جامعه‌ی ما دارد. امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته اصلی‌ترین و نخستین مانع رشد نیروهای مولد و تکامل جامعه و نیز رشد و تکامل مبارزه‌ی طبقاتی پرولتاپیا می‌باشد. از این رو هر تحول انقلابی در میهن ما باید بدون آنکه در مسیر رشد سرمایه‌داری حرکت کند، این مانع اصلی را از جلو رشد نیروهای مولدی جامعه و نیز بسط کامل و همه‌جانبه‌ی مبارزه‌ی طبقاتی پرولتاپیا بردارد.

۸ - تولید و فروش نفت خام نقشی استراتژیک در اقتصاد ایران داشته و دارد. وابستگی به امپریالیسم سبب آن گردیده که مردم ایران نتوانند از این منبع عظیم به سود پیشرفت، رفاه و ترقی خود استفاده نمایند. درآمد نفت نه در جهت منافع توده‌های مردم و پیشرفت اجتماعی، بلکه در جهت گرداندن چرخهای ماسیح دولت‌های ارتقای حاکم بر ایران و مخارج دستگاههای عظیم بوروکراسی آنها بکار گرفته می‌شود.

اکنون به درآمد نفت بعنوان تنها محصولی که می‌تواند مخارج دولت و ارگان‌های مربوط را تامین کند. مصرف عمده‌ی درآمد نفت در دستگاه بوروکراسی سیاسی و نظامی مانع قطبی شدن هر چه بیشتر طبقات و توسعه‌ی مبارزه‌ی طبقاتی پرولتاپیا علیه بورژوازی است. تولید تک محصولی نفت در نقش دولت و دستگاه بوروکراتیک آن در حیات اقتصادی جامعه بصورت عاملی تعیین کننده درآمده است.

۹ - وجه مشخصه‌ی قدرت سیاسی در جامعه تحت سلطه‌ی ما دیکتاتوری ارتقای همراه با قهر عربیان و سیستماتیک است. این قدرت سیاسی در

جامعه‌ی تحت سلطه اساسی‌ترین تکیه‌گاه امپریالیسم بوده و مهمترین و اساسی‌ترین مانع در مبارزه‌ی طبقاتی می‌باشد.

قدرت سیاسی در جامعه‌ی نو مستعمره‌ی ما عموماً بر بورژوازی انحصاری بوروکراتیک منکی است. بخش دولتی اقتصاد (سرمایه‌داری دولتی) در خدمت این قدرت و نقطه‌ی اتكاء اصلی آنست. بخش‌های متوسط، غیر بوروکراتیک و غیر انحصاری بورژوازی بطور عمدۀ از قدرت سیاسی محروم و از این‌رو شکل دولت در جامعه‌ی تحت سلطه با جوامع کلاسیک سرمایه‌داری که اقشار مختلف بورژوازی در قدرت سیاسی شریک و از طریق پارلمان بورژوازی مناسبات متضاد خود را تعیین می‌کنند، متفاوت است. بخش متوسط بورژوازی وابسته در شبکه‌ی واستگی بورژوازی ایران، حلقه‌ی ضعیف آن را تشکیل می‌دهد و از این‌رو با بورژوازی بزرگ (بورکراتیک و انحصاری) دارای تضادهائی می‌باشد که ریشه‌ی آن در فقدان آزادی بورژوازی متوسط برای بهره‌وری کافی از نیروی کار و استفاده از ارزش اضافی بوجود آمده در جامعه و همچنین فقدان شراکت در تقسیم درآمد حاصل از فروش نفت خام است. در حوزه‌ی سیاسی، این بخش از بورژوازی به میزانی محدود از آزادی‌های سیاسی دفاع می‌کند. وجود این قشر از بورژوازی در جنبش ضد استبدادی و ضد دیکتاتوری منبع و منشاء گرایشات رفرمیستی، لیبرالیستی و محافظه‌کارانه در جنبش خلق است.

۱۰- انقلاب ایران یک انقلاب دمکراتیک- ضد امپریالیستی (رهائی بخش) و توده‌ای می‌باشد.

نظر به اینکه ایران یک کشور تحت سلطه امپریالیسم است، نظر به وجود گرایشات وسیع مبارزه‌ی دمکراتیک در توده‌ها که ناشی از تضاد توده‌های خلق با سلطه امپریالیسم است و نیز بعلت عدم تکامل همه‌جانبه مبارزه‌ی طبقاتی پرولتاپیا که از ضعف عینی و ذهنی آن ناشی می‌شود، مجموعه شرایط عینی و ذهنی برای یک انقلاب سوسیالیستی (که تنها انقلاب اجتماعی در عصر کنونی است) فراهم نیست. (۱۵) از این‌رو انقلاب ایران در مرحله‌ی کنونی یک انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی (ملی یا رهائی بخش) و توده‌ای می‌باشد. اهداف این انقلاب، کسب استقلال ملی (قطع سلطه اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم) دمکراتیزه کردن جامعه و تامین آزادی‌های سیاسی، مدنی و نیز رشد نیروهای مولده‌ی اصیل و بنیادی

جامعه است. خصلت اساسی این انقلاب، دمکراتیک بودن آن است. این انقلاب بدون گذار از رشد سرمایه‌داری، شرایط رشد و تکامل مبارزه‌ی طبقاتی پولتاریا را فراهم ساخته، زمینه را برای گذار به انقلاب اجتماعی بعنوان فاز بعدی انقلاب دمکراتیک فراهم می‌سازد. این انقلاب جزئی از انقلاب جهانی پولتاریاست. طبقه‌ی کارگر ایران که اساساً برای یک جامعه سوسیالیستی و عاری از ستم و استثمار مبارزه می‌کند و پیگیرترین طبقه‌ی انقلابی است که منافع خود را در تحقق هر چه رادیکال‌تر اهداف انقلاب دمکراتیک می‌بیند و پیروزی قطعی و نهایی این انقلاب منوط به رهبری این طبقه در انقلاب است. باید نیمه پولتاریا و اقشار مختلف خرده بورژوازی شهر و روستا را با خود متحد نموده و با منفرد نمودن گرایشات رفرمیستی و لیبرالیستی محافظه‌کارانه و بوسیله‌ی ارتشم انقلابی خلق که جزئی از جبهه‌ی انقلابی خلق می‌باشد سلطه‌ی سیاسی امپریالیسم و وابستگان بدان را سرنگون ساخته و جمهوری دمکراتیک انقلابی کارگران و اقشار مختلف خرده بورژوازی (جمهوری دمکراتیک خلق) را مستقر سازد.

بخش دوم: وظایف مارکسیست - لینینیست‌هادر شرایط کنونی

رژیم ضد انقلابی و ارتجاعی حاکم بر ایران با انتکاء بر سرنیزه و سرکوب تمام آزادی‌های دموکراتیک، با ایجاد شرایط قرون وسطائی در جامعه، با غارت و چپاول ثروت‌های ملی ما و به هدر دادن منابع انسانی و مالی جامعه‌ی ما در جنگ ارتجاعی ایران و عراق هر دم به بحران عمومی دامن می‌زند. سلطه‌ی دستگاه آخوندها و ولایت فقیه به رهبری خمینی پلید و انجام وظایف ضد انقلابی این دستگاه اهریمنی تاکنون بیشترین منافع را برای امپریالیست‌های جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و بیشترین خسran را برای توده‌های محروم ایرانی داشته است.

اما از جهت دیگر تضاد تاریخی دستگاه ایدئولوژیک این رژیم با دستگاه اقتصادی و سیاسی جامعه سرمایه‌داری وابسته‌ی ایران و نیز حذف جناح‌های مختلف که در ابتدا در قدرت سیاسی سهیم بودند، که نتیجه‌ی آن تمرکز دستگاه‌های مختلف اداری و نظامی رژیم کنونی در دست خمینی و معتقدین به ولایت فقیه و نیز مبارزه و مقاومت سراسری مردم قهرمان ایران و انقلابیون جان بر کف آن، هرگونه امکان تغییر این رژیم به یک رژیم ضد انقلابی دیگر

را حداقل در چشم انداز نزدیک از بین بوده است. بحران انقلابی کنونی در جامعه‌ی ما بدون یک راه حل انقلابی و ممکن بر اراده‌ی انقلابی مردم هیچگونه راهی جز تداوم عمر سنگین این رژیم ارتقای ندارد. در شرایط کنونی تمام تضادهای ناشی از وجود رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با دستگاه عربیض و طویل ضد انقلابی وابسته به خمینی گره خورده و لبه‌ی تیز حمله‌ی مردم و کانون ستیز تضادها وجود این دستگاه ضد انقلابی که نماینده‌ی آن خمینی می‌باشد، است.

از این‌رو ما این رژیم را همان رژیم خمینی دانسته و هیچ آینده‌ای و راهی جز سپردن آن به گورستان تاریخ برایش قائل نیستیم. از این زاویه است که ما از مبارزه‌ی انقلابی شورای ملی مقاومت به مثابه تنها آلترناتیو دموکراتیک موجود و نیز از مضمون دموکراتیک سند شماره‌ی ۳ مصوبه‌ی اولین اجلالیسمی شورای ملی مقاومت تحت عنوان "وظایف میرم دولت موقت" به عنوان مبنای اقدامات میرم و نیز از طرح صلح شورای ملی مقاومت که در تاریخ ۱۲/۱۲/۲۳ اعلام شد به مثابه‌ی طرحی که یک صلح دموکراتیک بدون هر گونه‌ی الحاق‌طلبی، بدون مقاله‌ی نامه‌ی پروتکل سرکوبگرانه را تضمین می‌نماید، پشتیبانی و حمایت فعال می‌کنیم. همچنین برای حفظ و روشن بودن خط و مزهای خود در درون مبارزه‌ی متعدد خلق وظایف مارکسیست – لنینیست‌ها را در شرایط کنونی به قرار زیر اعلام می‌نمائیم:

- ۱ - در شرایط کنونی گام نخست برای استقرار جمهوری دموکراتیک خلق سرنگونی رژیم خمینی است و مبارزه برای سرنگونی این رژیم از طریق بسیج انقلابی توده‌های مردم پیرامون شعارهای صلح و آزادی‌های سیاسی و حقوق دموکراتیک توده‌ها میسر است. این بسیج باید به شکلی سازمان داده شود که رژیم ارتقای حاکم از طریق یک قیام مسلحانه توده‌ای و سراسری (در شهر و روستا و با نقش تعیین کننده‌ی شهرهای بزرگ) سرنگون و دولت موقت انقلابی (بمثابه ارگان قیام پیروزمند خلق) جایگزین آن شود. دولت موقت انقلاب با اتکاء به توده‌های سازمان یافته در شوراها و دیگر ارگان‌های اقتدار توده‌ای باید با سرکوب هر گونه مقاومت ضد انقلابی و ارتقای بقایای رژیم موجود و ضد انقلاب سرنگون شده در قیام ۲۲ بهمن و ایجاد شرایط دموکراتیک، مجلس موسسان انقلابی و دموکراتیک بر اساس حق رای مساوی، مستقیم و مخفی را فرا خوانده و حاکمیت را به مردم تفویض نماید.

۲ - ما بمثابه یک جریان مارکسیست - لینینیست خود را مجاز می‌دانیم با شرکت در ائتلافات مترقبی که مانع تبلیغ و ترویج مستقل ما نشود در دولت وقت انقلابی بمثابه ارگان قیام پیروزمندانه شرکت نموده و در هر مرحله از خواسته‌های زیر برای توده‌های مردم چه بصورت اقدامات فوری و چه بصورت اقدامات مرحله‌ای و چه در مجلس موسسان انقلابی و دموکراتیک پیگیرانه دفاع نمائیم . دفاع از خواستها و برنامه‌ی زیر بمثابه برنامه‌ی مستقل پرولتاریا ما را مجاز می‌سازد که از هر جنبش یا نیروشی که از بخشی یا تمامی این خواسته‌ها دفاع و بدان عمل نماید ، حمایت فعال نمائیم .

۳ - انحلال تمام دستگاههای اداری و نظامی موجود و ایجاد ارگان‌های اقتدار توده‌ای شامل

الف - انحلال کلیه‌ی نهادهای بوروکراتیک کنونی و لغو سیستم انتسابی مقامات . مقامات دولتی باید انتخابی و انتخاب‌کنندگان یعنی مردم هر زمان که اراده کنند ، می‌توانند آنها را عزل کنند .

ب - سیستم قضائی موجود و تمام دادگاههای ویژه ، دادگاههای باصطلاح انقلاب اسلامی ، شورای عالی قضائی و غیره منحل و به جای آن دادگاههای خلق ایجاد خواهد شد . تمام محکمات علی خواهد بود .

ج - ارگان‌های سرکوب و تفتیش عقاید مردم از قبیل کمیته‌ها ، پاسداران ، دوایر سیاسی - ایدئولوژیک ، بنيادهای مختلف ، امور تربیتی ، شورای انقلاب اسلامی ، جهاد سازندگی ، بنیادهای منحل و خلع سلاح خواهند شد و فرهنگی و جهاد دانشگاهی ، شهربانی منحل و خلع سلاح خواهند شد و نیروهای مسلحی که در جریان سرنگونی رژیم شرکت دارند (یعنی توده‌های مردم) زیر سازماندهی شوراهای ارگان‌های مردمی به حفظ و حراست داخلی انقلاب می‌بردازند .

د - جایگزین کردن ارتش خلقی متشكل از توده‌های مسلح مردم ایران و کلیه‌ی افراد میهنپرست ، انقلابی و شرافتمند ارتش ، شامل سربازان ، درجه‌داران و افسران جزء به جای نظام امپریالیستی ارتش کنونی . این ارتش مردمی و انقلابی در چارچوب منافع انقلاب و خلق عمل خواهد کرد و ارگان مسلح واقعی توده‌ها خواهد بود . همچنین ارتش انقلابی ایران ارگان دفاع از میهن انقلابی و دموکراتیک ایران ، استقلال ملی ، صلح و همزیستی بین‌المللی خواهد بود .

۴- تامین آزادی‌های سیاسی و حقوق دموکراتیک توده‌ها شامل

الف - آزادی کامل عقیده و بیان، لغو هر گونه سانسور و تفتیش عقاید، تامین آزادی هرگونه تشکل و انجمن (اتحادیه، سندیکا، کانون، شوراهای، و...) آزادی‌های احزاب و سازمان‌های سیاسی. تامین آزادی مطبوعات و انتشارات بدون هرگونه سانسور و تامین آزادی گردھمائی، اجتماع، تظاهرات، آزادی مذهب، آزادی میتینگ، آزادی اعتراض، ممنوعیت بی‌قید و شرط شکنجه، جاسوسی و تفتیش. الغاء بدون قید و شرط هرگونه ستم و محدودیت ملی، فرهنگی، قومی و نژادی. آزادی زندانیان سیاسی. محاکمه تمام متهمین در دادگاههای علنی و عادی و برخورداری کامل آنها از حق انتخاب وکیل، دفاع و دادرسی.

ب - لغو هرگونه تبعیض بر پایه‌ی جنسیت و رعایت کامل حقوق اجتماعی زنان، بنحوی که زنان از حقوق اجتماعی مساوی با مردان برخوردار باشند و هر گونه ستم و تبعیض بر پایه‌ی جنسیت ملغی شود. زنان باید آزادانه در تمام فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شرکت کنند و تمام قوانین ارتجاعی مربوط به خانواده، نظیر حق طلاق یک جانبه، تعدد زوجات و صیغه باید لغو شود. مقررات حجاب اجباری که ابزار فشار و ستم به زنان هست، لغو شود. زنان باید در ازای کار مساوی با مردان از حقوق و مزایای کامل و سایر تسهیلات چون شیرخوارگاه، مهدکودک، حق نگهداری و رسیدگی به کودکان در محل کار برخوردار باشند. کار زنان در رشته‌های که برای سلامتی آنان زیان‌آور است منع اعلام شود. به زنان قبل و بعد از زایمان مرخصی با حقوق بر طبق استانداردهای جدید بین‌المللی بدون کسر حقوق و با استفاده‌ی مجانية از امکانات پزشکی و داروئی داده شود.

ج - جدائی کامل دستگاه مذهب از سیستم دولتی. بدین ترتیب که هر گونه مذهب رسمی، هر گونه امتیاز ویژه برای یک مذهب خاص و تبعیض بر اساس مذهب، ذکر نام دین و مذهب افراد در استناد و مدارک رسمی ملغی شود. همچنین اجرای مراسم و آئین‌های تمام مذاهب باید آزاد و هیچ مانع بر سر راه اجرای مراسم مذهبی و سنتی نباشد. روحانیون مساجد و یا دیگر نهادهای مذهبی نباید هیچگونه بودجهای از دولت دریافت کنند. شرعی کردن قوانین نظیر لایحه‌ی قصاص باید ملغی شود. تدریس اجباری مذهبی در مدارس و آموزشگاهها حذف شود. آموزش عرفی از آموزش شرعی جدا و

تبليغ و تدریس امور دینی بعدهای نهادهای مذهبی خواهد بود که می‌توانند آزادانه به فعالیت خود ادامه دهند. بدیهی است که این امر نبایستی بمثابه منوعیت مداخله نیروهای اصیل و انقلابی مذهبی (که در امر سرنگونی رژیم خمینی و مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک نظیر مجاهدین خلق ... شرکت دارند) در امر سیاست و دولت تلقی شود. موضع ما در این رابطه به کلی با مواضع فربیکارانه جریانات بورژواشی و دستنشاندهی امپریالیسم متفاوت است.

د - حق ملل در تعیین سرنوشت خویش.

کمونیست‌ها در اصول به حق تعیین سرنوشت ملت‌ها چنانکه در کلیهی متون اساسی مارکسیسم - لنینیسم آمده است معتقدند. از این‌رو حق ملل ساکن ایران باید در تعیین سرنوشت و اداره‌ی امور داخلی خویش به شکلی آزاد و دموکراتیک به رسمیت شناخته شود. اما اعتقاد ما به این اصل، نه فقط به معنی پیشنهاد کردن و یا درست دانستن "جدائی" نیست، بر عکس ما با توجه به اوضاع داخلی و بین‌المللی و با توجه به سیاست‌های ارجاعی امپریالیستی هر نوع ایده‌ی جدائی را ناشی از شوینیسم بورژواشی ملل تحت ستم دانسته و آن را علیه زحمتکشان این ملل می‌دانیم. بنظر ما منافع طبقه‌ی کارگر سراسر ایران و زحمتکشان ملت‌های سراسر ایران در اینست که بر اساس وحدت داوطلبانه و انقلابی مشترکاً یک دولت انقلابی و مقتدر سراسری تشکیل دهند. در چارچوب ایران انقلابی و دموکراتیک، ملل ساکن ایران از حقوق کامل و برابر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بخوردار بوده و هر گونه اعمال ستم و قائل شدن امتیاز ویژه بر اساس زبان، فرهنگ، نژاد، ملیت و قومیت باید غیر قانونی اعلام شود. ما معتقدیم بهترین و مناسب‌ترین شکل این وحدت، خودمختاری ملل ساکن ایران در چارچوب جمهوری دمکراتیک و انقلابی ایران می‌باشد.

ه - اقدامات بسود کارگران و ایجاد شرایط برای شکوفایی مبارزه‌ی طبقاتی کارگران.

- به رسمیت شناختن حق اعتضاب بمثابه طبیعی‌ترین حق کارگران در مبارزه علیه سرمایه‌داران.

- ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته، یک ماه مرخصی سالیانه با حقوق کامل بمثابه فوری‌ترین خواست کارگران.

– ممنوعیت اضافه‌گاری، شبکاری در تمام رشته‌ها، مگر در مواردی که مطلقاً ضروریست و مورد تأیید تشکل‌های کارگری می‌باشد.

– ممنوعیت استخدام کودکان در سنین کودکی طبق آخرین استانداردهای بین‌المللی مربوط به سن کار، ممنوعیت کسر دستمزد به بهانه‌ی جریمه، خسارت و غیره.

– افزایش مناسب دستمزد کارگران، بیمه‌ی کامل اجتماعی کارگران، بیمه‌ی بیکاری، سوانح، نقص عضو، جراحت، کهولت، امراض ناشی از حرفه، از کارافتادگی و صدمات. پرداخت حقوق معادل مخارج یک خانواده‌ی زحمتکش به کارگران بیکار. برقراری کنترل کامل و سازمان‌یافته‌ی بهداشتی بر کلیه‌ی بنگاهها.

– این‌عنی محیط‌کار، خدمات درمانی و بهداشتی رایگان و پرداخت حقوق کامل دوران بیماری، تدوین قانون کار انقلابی توسط کارگران که به تصویب اتحادیه‌ی سراسری کارگران ایران برسد.

و – اقدامات در زمینه‌ی کشاورزی و حقوق دموکراتیک دهقانان شامل: ضبط فوری کلیه‌ی اراضی، املاک و ابزار و وسائل تولید ملاکین بزرگ، زمینداران بزرگ، موقوفات و بنیادهای بزرگ مذهبی و انتقال فوری آنها به دهقانان مشکل شده در ارگان‌های توده‌ای (اتحادیه، شوراهای کمیته‌های دهقانی و ...) . پشتیبانی از جنبش دهقانان برای مصادره‌ی اراضی مدام که جنبه‌ی انقلابی و دموکراتیک داشته و به کشت تعاونی شورائی خدشه وارد نکند. در این مورد اراضی مکانیزه و بطور کلی زمین‌های که به شیوه‌ی سرمایه‌داری پیشرفته کشت می‌شوند، بدون اینکه تقسیم بشوند ملی و تحت کنترل نهادهای دموکراتیک دهقانی اداره می‌شوند.

تشویق به متخل شدن دهقانان خردپا در تعاونی‌ها و تشویق آنها به کشت جمعی و ایجاد واحدهای بزرگ کشاورزی به منظور صرفه‌جوئی در کار و هزینه‌ی محصولات و نیز انتقال به کشت تعاونی بمنابعی یک مرحله از رشد تولید کشاورزی. لغو کلیه‌ی بدھی‌ها و دیون دهقانان به دولت، بانک‌ها، موسسات مالی، ملاکین بزرگ، سرمایه‌داران بزرگ و رباخواران. پرداخت وام بدون بهره به دهقانان و تامین هر گونه کک تکنولوژیک و نیز توسعه‌ی شبکه‌های آبرسانی و آبیاری و نیز برق سراسری، ملی شدن کلیه‌ی اراضی، مراتع، جنگل‌ها و همچوی منابع طبیعی زیرزمینی بدین ترتیب که کلیه‌ی آنها

در تملک دولت انقلابی و دموکراتیک قرار گرفته و حق بهره‌برداری از آنها به عهده‌ی ارگان‌های توده‌ای دهقانی و اگذار می‌شود. اقدامات رفاهی از قبیل برق، آب، مسکن، بهداشت و دیگر تسهیلات برای دهقانان و عشاير باید صورت پذیرد. صید ماهی تحت کنترل و نظارت دولت و ارگان‌های توده‌ای صیادان صورت می‌گیرد.

۵ - پایان بخشیدن به جنگ ارجاعی ایران و عراق از طریق یک صلح دموکراتیک.

از آنجا که رژیم خمینی عامل اصلی ادامه‌ی جنگ در شرایط کنونی می‌باشد، باید بلافاصله پس از سرنگونی رژیم با برقراری یک آتش‌بس فوری، مذاکره در جهت برقراری یک صلح دموکراتیک بر اساس حفظ استقلال، عدم دخالت در امور داخلی و حق تعیین سرنوشت اقدام نمود.

به محض برقراری آتش‌بس، باید با اتکاء به نیروی توده‌ها و با اختصاص اعتبار کافی، بازسازی مناطق جنگزده آغاز شود و اقدامات فوری در جهت تأمین کار، بهداشت و مسکن برای آوارگان به مرحله‌ی اجرا درآید.

۶ - مبارزه‌ی ضد امپریالیستی در جهت استقلال اقتصادی بمنظور مبارزه با خطر فلاكت و قحطی.

الف - در این رابطه باید سرمایه‌های بزرگ (سرمایه‌های سرمایه‌داران بزرگ، صاحبان صنایع، موسسات بانکی و مالی، زمینداران و تجار بزرگ و شرکت‌ها و موسسات امپریالیستی و موسسات و بنیادهای وابسته به روحانیون) بدون پرداخت غرامت مصادره و ملی شود. تولید در هم‌ام صنایع، کارخانه‌ها و موسسات باید تحت کنترل و نظارت کارگری قرار گرفته و تمام کارخانه‌های تعطیل شده دوباره بکار آندخته شوند. در جهت تأمین مواد اولیه با حفظ استقلال سیاسی و همکاری با کشورهای سوسیالیستی و متفرق در جهت تغییر خط تولید و پی‌ریزی صنایع سنگین، این تغییر از خط مونتاژ و تولید وابسته صورت گیرد.

ب - ملی کردن بانک‌ها و متحده ساختن آنها در یک بانک واحد. همچنین کلیه‌ی موسسات مالی نظیر شرکت‌های بیمه باید ملی و در یک موسسه‌ی واحد متمرکز گردند.

ج - تعریز اجباری صاحبان صنایع در سندیکاها و برقراری کنترل کارگری بر آنها. این مساله شامل سرمایه‌داران و کارفرمایانی می‌شود که در مرحله‌ی

انقلاب دموکراتیک سرمایه‌های آنها ملی نمی‌شود . (سرمایه‌های متوسط و کوچک)
د – ملی کردن تجارت خارجی ، توزیع برنامه‌بازی شده و تنظیم امور
مصرف .

ضمن ملی کردن تجارت خارجی از فشار روی کسبه و تجار کوچک و متوسط
کاسته شود و توزیع برنامه‌بازی شده در جهت منافع محرومان جامعه (کارگران
و زحمتکشان) صورت پذیرد .

ه – الغاء اسرار بازارگانی از طریق علنی شدن حساب دخل و خرج
رژیم‌های وابسته و رژیم کنونی و حامیان آن در مرحله‌ی اول و سپس از طریق
کنترل واقعی بر تولید و توزیع که بدون الغاء اسرار بازارگانی ممکن نیست در
جهت جلوگیری از چپاول و غارت مردم و بدست آوردن سودهای کلان توسط
سرمایه‌داران اقدام شود .

و – افشاء و لغو تمام قراردادهای اسارت‌بار با امپریالیسم .

۷ – تأمین نیازهای اجتماعی و عمومی مردم .

– مبارزه با افزایش قیمت‌ها

– برقراری سیستم تصاعدي مالیات بر ثروتمدان و تعديل و معافیت
مالیات زحمتکشان

– اتخاذ سیاست‌های انقلابی و متکی بر مردم برای حل مشکل مسکن و
تعديل اجره بها

– بهداشت و درمان برای همه از طریق شرکت و مداخله‌ی جدی دولت در
امور پزشکی ، داروئی و درمانی و رایگان نمودن آن برای همه مردم زحمتکش
– آموزش رایگان برای همه

۸ – سیاست خارجی ایران انقلابی و دموکراتیک بر اساس استقلال ،
حق تعیین سرنوشت و احترام متقابل بین‌المللی است . دولت انقلابی ،
دموکراتیک و مردمی ایران از تمامیت ارضی ایران دفاع نموده و از مبارزه‌ی
ملل تحت ستم برای استقلال و دموکراسی ، از مبارزه‌ی کارگران جهان علیه
امپریالیسم و انحصارات و از مبارزه‌ی کشورهای سوسیالیستی و متقابل
امپریالیسم و نیز از مبارزه برای صلح و تشنج‌زاده‌ی حمایت می‌نماید و متقابل
بر اساس حفظ استقلال و منافع متقابل در مسیر توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی و
قطع هر گونه وابستگی انتظار کمک از آنها را دارد . از اعلامیه‌ی جهانی حقوق
بشر و مبارزه‌ی دموکراتیک جنبش غیر متعهدانها حمایت نماید . از مبارزه‌ی

خلق‌های منطقه و بویژه از مبارزه‌ی خلق قهرمان فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم حمایت فعال صورت گیرد .
کارگران ، دهقانان و زحمتکشان ، روشنگران انقلابی ، کسبه ، اصناف ، سربازان ، درجه‌داران و افسران میهن‌پرست و انقلابی :

تحقیق اهداف انقلاب این مرحله از طریق مبارزه‌ی قاطع و انقلابی شما علیه رژیم خمینی بمثابه‌ی کانال اصلی مبارزه‌ی ضد امپریالیستی در شرایط کنونی میسر می‌شود . پیامون پرچم و برنامه‌ی مرحله‌ای سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران متعدد شوید . با شرکت در هسته‌ها و کمیته‌های سیاسی – نظامی مقاومت مردمی در سراسر ایران ، با دفاع و حمایت از شورای ملی مقاومت و فشرده‌تر کردن هر چه محکم‌تر صفوں خود ، برای رهائی ، دموکراسی ، صلح و عدالت اجتماعی به مبارزه برخیزید . به تمام اشکال مبارزه حول محور مبارزه‌ی مسلحانه مبادرت نمائید . از مبارزه‌ی پرسنل انقلابی ارتش علیه جنگ‌افروزی خمینی حمایت و به آنهایی که از جبهه‌های جنگ فرار می‌کنند و یا در خطوط تدارکاتی نیروهای جنگی رژیم خلل وارد می‌کنند کم و حمایت کنید . پیروزی از آن ماست . کارگران و زحمتکشان سراسر ایران ، پاسدارای از سنت مبارزاتی خلق کبیر ما ، پاسداری از خون دهها هزار شهید به خون خفته‌ی خلق در ادامه‌ی مبارزه برای سرنگونی رژیم کنونی در گام نخست و سپس ادامه‌ی مبارزه با گام‌های استوار و سنجیده برای ساختمن ایرانی مستقل ، دموکراتیک مدافع صلح و سوسیالیستی می‌باشد . در این راه پر شکوه پیروزی از آن توده‌هast . پس بکوشیم تا بر اساس پاسخ صحیح به ضروریات مرحله‌ی کنونی انسان‌های آزاد و انقلابی بوده و در این راه از فدا کردن جان خود بعنوان گرانبهاترین چیز برای یک انسان دریغ نورزیم .

زنده باد مارکسیسم – لنینیسم

پیروز باد مبارزه برای استقلال ، دمکراسی ، صلح و سوسیالیسم نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش زنده باد انقلاب دموکراتیک-ضد امپریالیستی و توده‌های خلق‌های سراسر ایران سرنگون باد رژیم خمینی (جمهوری اسلامی)

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

در اهتزاز باد پرچم خونین و پرافتخار سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

بخش سوم

شورای ملی مقاومت و موضع مارکسیست - لینینیست هادر قبال آن

مساله‌ی برخورد با شورای ملی مقاومت و چگونگی موضع در قبال آن یکی از مسائل حاد جنبش انقلابی ایران است. علیرغم تبلیغاتی که رهبری تئوریک جریان سکتاریستی حاکم بر سازمان اقلیت مبنی براینکه "شورای ملی مقاومت" به موجودی "مرده" ، "محترم" و "بی اعتبار در میان توده‌ها" تبدیل شده، کماکان بحث شورا و نیروهای درون آن موضوع حاد تئوریک و سیاسی است. وجود سازمان مجاهدین خلق ایران در محور این شورا و نیز حزب دموکرات کردستان ایران به مثابه‌ی ستون مهم دیگر این شورا، آن وضعیتی را برای این ارگانیسم اجتماعی بوجود آورده است که هیچ تحولی در مرحله‌ی کنونی جامعه‌ی ما نمی‌تواند بدون عبور از کانال "شورای ملی مقاومت" تحقق یابد . بویژه "بن‌بست قدرت در رژیم جمهوری اسلامی" در حل صدها مسالمی لاینحل که با آن روپرتوت از یک طرف واژ طرف دیگر فقادان آلترناتیو شکل گرفته و قابل اجرا برای امپریالیسم آمریکا بمتابه‌ی امپریالیستی که ایران یکی از اعمار مهم آنست، شورا در وضعیتی قرار گرفته که ضد انقلاب حاکم "رژیم خمینی" و امپریالیسم "ضد انقلاب مغلوب" (مزدوران امپریالیسم جهانی و بویژه امپریالیسم آمریکا) برای حل مسائل خود راهی جز نابودی نیروهای انقلابی نظیر مجاهدین خلق که در کانون شورای ملی مقاومت قرار گرفته، ندارند. در این شرایط مشخص موضع گیری نیروهای م - ل بطور اعم و سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران بطور اخص برای جنبش کمونیستی اهمیتی حیاتی خواهد داشت. چگونگی موضع پرولتاریا در قبال صفت‌بندی نیروهای مختلف طبقاتی یکی از اساسی‌ترین معیارهای سنجش یک خط مشی سیاسی است. هیچ جریان اجتماعی نمی‌تواند در دوران انقلابی در یکی از صفت‌بندی‌های انقلاب و ضد انقلاب قرار نگیرد. شیوه‌ی برخورد کنگره‌ی اول ما با شورای ملی مقاومت از این جنبه موضعی دوگانه و تردیدآمیز است و این نه بخاطر عدم درک این اصول، بلکه بخاطر وجود صفت‌بندی‌های درون کنگره‌ی اول است. برای این باید در مرحله‌ی اول به این سوال پاسخ دهیم که آیا ارگانیسم اجتماعی بنام شورای ملی مقاومت صرفنظر از هر ایرادی که بدان وارد بدانیم وجود خارجی دارد یا نه؟ اگر جواب منفی باشد بنابراین همه‌ی هیاهوها و

سخنپرداختی هایی که هدف آن افشاء شورا می باشد به اقداماتی باطل تبدیل می شود . زیرا افشاء آنچه وجود ندارد به ذهنیگری در بین تودهها دامن می زند و شگفت اینست که رهبری تئوریک اقلیت ، ذهنگری خود را با این سخن که شورا "مرده" و "محضر" است به نمایش می گذارد . ما در گام اول خود را از این گروه جدا می کنیم و برای این اعتقادیم که "شورا" وجود خارجی داشته و بمتابهی یک ارگانیسم اجتماعی و آلترناتیو سیاسی دارای عملکرد است . بنابراین باید به این سوال پاسخ دهیم که در صفتندی انقلاب و ضد انقلاب "شورا" در کدام طرف قرار گفته است . نقطه‌ی ضعف تحلیلی کنگره‌ی اول در عدم پاسخگویی به این مسئله و اظهارنظر صرف روی برنامه‌ی شورا می باشد . این التقاط در موضعگیری روی شورا ، سازمان را از درون می سائید . برخورد منفعلانه با طرح صلح شورا ، عدم حمایت از شب کردستان در اروپا بمتابهی یک اقدام انقلابی و دموکراتیک ناشی از همین موضع می باشد . تحلیل برنامه‌ی شورا جزئی از متد مارکسیستی تحلیل یک نیروی اجتماعی است . تحلیل دقیقاً مارکسیستی بر پایه‌ی این امر قرار دارد که برای بررسی یک جریان اجتماعی باید برنامه ، ترکیب اجتماعی ، ساقمه‌ی تاریخی و نهایتاً عملکرد آن را به عنوان یک عامل تعیین کننده مدنظر قرار داد . در گام دوم ما خود را از کسانی که صرفاً شورا را با برنامه‌اش ارزیابی می کنند و متد مارکسیستی تحلیل پدیده‌ها را مسخ می کنند ، جدا می سازیم .

شورای ملی مقاومت یک ارگانیسم اجتماعی و یک آلترناتیو سیاسی است که ماهیت آن را صرفنظر از ماهیت طبقاتی تک تک اعضای آن نمی توان جدا از ماهیت دو نیروی عمده‌ی آن یعنی سازمان مجاهدین خلق ایران به مثابهی قدرتمندترین سازمان انقلابی سراسری و حزب دموکرات کردستان ایران بمتابهی قدرتمندترین سازمانی که برای بدست آوردن خود مختاری در ایران مبارزه می کند بررسی نمود . سازمان مجاهدین و حزب دموکرات به علت یک ضرورت تاریخی بوجود آمدۀ‌اند و تا هنگامی که این ضرورت تاریخی وجود داشته باشد ، الزاماً این نیروها وجود دارند . ما معتقدیم نیروهای دموکراتیک - انقلابی و ترقیخواه در وضعیت عینی موجود در جامعه‌ی ایران فی نفسه وجود دارند و این تئوری که وجود اینگونه نیروها را با چگونگی وضعیت جنبش کمونیستی مربوط می سازد اساساً یک تئوری ضد مارکسیستی است . (۱۱) معتقدین به این تئوری اساساً هیچ درک روشی از مجموعه‌ی تجربیات انقلابی

در عصر کنونی و بویژه در کشورهای تحت سلطه ندارند. بویژه هنگامیکه این تئوری را کسانی مطرح می‌کنند که معتقدند با نیروهای انتقالی امثال پیکار و (جریانات موسوم به خط ۳) مرزبندی قاطع دارند عمق پیوندان را با این جریانات به نمایش می‌گذارند. در هیچ تحول اجتماعی در مرحله‌ی انقلاب دموکراتیک نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. سکتاریسم و ذهنی‌گری به مجموعه‌ی نیروهای اجتماعی که طبقی کارگر نیز جزئی از آنست توجه نکرده و اگر چه ظاهرا در ذهن خود مباردت به "تفکیک طبقاتی" به منظور مبارزه‌ی متحداهه علیه دشمن عمدۀ می‌ورزد ولی در عمل به "جدائی خود" از توده‌ها و طبقی کارگر اقدام می‌کند. تمام سیاست‌هایی که اینگونه رابطه‌ی مبارزه‌ی مستقل و متعدد یک طبقه را با طبقات دیگر بررسی می‌کنند، پروسه‌ی شکست خود را تسریع می‌نمایند. اما ما با توجه به عملکرد (یعنی مبارزه‌ی انقلابی علیه ارتجاج حاکم بمتابهی پایگاه اجتماعی امپریالیسم در مرحله‌ی کنونی و کانال تامین منابع و سلطه‌ی امپریالیسم)، سابقه‌ی تاریخی، ترکیب طبقاتی و نیز برنامه‌ی هر کدام از نیروها و نیز بعلت موضعگیری دو نیروی مهم شورا در رابطه با صفت‌بندی‌های نیروهای جهانی، شورا را بویژه در رابطه با نیروی محوری آن در مجموع دموکراتیک، انقلابی و در صف انقلاب می‌دانیم. بخصوص که این نقش محوری از جانب سایر اعضاء نیز به رسمیت شناخته شده است. این سومین موردیست که ما خود را از دیگران جدا می‌سازیم و معتقدیم "شورا" علیرغم کمبودها و نارسائی‌هایی که داشته و دارد و علیرغم سائلی که در رابطه با صفت‌بندی درون آن و چگونگی تشکیل آن باید مورد توجه قرار گیرد، تنها آلتربناتیو دموکراتیک موجود در جامعه‌ی ماست. ما که خود را در رابطه با مبارزه‌ی انقلابی و دموکراتیک شورا علیه رژیم ارتجاجی کنونی بی‌طرف نمی‌دانیم، در رابطه با تضادهای درونی شورا (که علل اجتماعی و طبقاتی معین دارد) و چگونگی تحول پذیری آن در یک مسیر متكامل‌تر و رشدیابنده‌تر نیز خود را بی‌طرف ندانسته و همواره به میزان تاثیر اجتماعی واقعی خود در این امور مداخله‌ی جدی می‌نمائیم.

این ارگانیسم اجتماعی اولین تجربه‌ی تاریخی اتحاد نیروهای اجتماعی موجود در جامعه‌ی ایران، به مثابهی اولین تجربه‌ی اتحاد نیروهای انقلابی دموکراتیک و سوسیالیستی، که شکست یا تداوم آن در شکست یا تداوم و (نه پیروزی قطعی) مبارزه‌ی خلق‌های ایران علیه امپریالیسم و ارتجاج نقش

تعیین کننده دارد، است. ما که در مرحله‌ی کنونی برای پیروزی قطعی انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی ایران مبارزه می‌کنیم، این پیروزی را نه با شکست نیروهای انقلابی دیگر بلکه در تداوم مبارزه‌ی آنها قابل تحقق می‌دانیم و از این‌رو معتقد به تقویت شورا در کلیت آن و حمایت فعال از مبارزه‌ی انقلابی و دموکراتیک نیروهای تشکیل‌دهنده‌ی آن می‌باشیم.

حصلت تحویل‌پذیری این شورا از یک طرف و مبارزه‌ی شورا علیه نیروهای ضد انقلابی مغلوب در جامعه‌ی ما که وابسته به امپریالیسم جهانی هستند، آن بسته‌یست که نیروهای م – ل می‌توانند با اتخاذ سیاست انقلابی اتحاد – انتقاد با شورا و با تأکید بر عدمه بودن اتحاد نیروهای انقلابی به حل و فصل آن موانعی که بر سر راه تشکیل حزب کمونیست یعنی ستاد رزم‌نده‌ی طبقه‌ی کارگر، که پیروزی تهائی انقلاب دموکراتیک و گذار به سوسیالیسم منوط به رهبری این طبقه می‌باشد، بپردازند.

نقشه‌ی وحدت ما با کلیت این شورا "همانگونه که در کار شماره‌ی ۱۲۱ نوشتم"، می‌تواند سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، برقراری دولت موقت انقلابی بمثابه‌ی ارگان قیام پیروزمندانه‌ی خلق، که عاجل‌ترین وظیفه‌ی آن فراخوان تشکیل مجلس موسسان انقلابی و دموکراتیک با تضمین‌های لازم است، باشد. پایه‌ی اصلی این تضمین‌های مبارزه‌ی متحدانه، قاطع و مسلح‌نده‌ی مجموعه‌ی نیروها و خود ما و هر چه بیشتر تسلیح عمومی مردم می‌باشد. این نقطه وحدت مبارزه‌ی دموکراتیک و ضد امپریالیستی ماست. اما ما هرگز به خود حق نمی‌دهیم که از تبلیغ و ترویج همیشگی خود پیرامون برنامه‌ی سوسیالیستی خود، از تبلیغ و ترویج مبارزه برای جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه‌ی کارگر بمثابه‌ی اولین گام تهائی در جهت گذار به سوی سوسیالیسم، از مبارزه برای دست‌یابی به وحدت نظری و عملی انقلابیون م – ل در حزب کمونیست ایران، دست برداریم. ما معتقد‌یم پیوستن به شورا مانع موضع انتقادی ما در موارد مختلف به شورا (که باید بررسی جدایانه شود) و تبلیغ برنامه‌ی مستقل خود و نیز مستحکم‌تر نمودن مواضع ضد امپریالیستی – دموکراتیک در داخل شورا نمی‌شود و نباید بشود.

در برخوردی انتقادی با شورا و نیروهای مشکله‌ی آن سیاست ما در مسیر تقویت تمایلات دموکراتیک – ضد امپریالیستی باید بنحوی باشد که:

الف – جبهه‌ی دموکراتیک در کلیت آن تضعیف نشود.

ب - موجب انفعال و سرخوردگی توده‌های مردم در مقابل رژیم حاکم نگردد و بتواند هر خلائی را نه در حرف بلکه در عمل پر کند.

ج - به همان میزان که این مبارزه در وجه سیاسی - ایدئولوژیک ما را از دیگران جدا می‌سازد، نیروهای اجتماعی ما را تقویت سازد.

ما این حقوق را برای نیروهای دیگر درون شورا نیز قائل هستیم. این چهارمین و نهایی‌ترین گامیست که ما را از نیروهای دیگر جدا می‌سازد. همچنین باید روش نمائیم که سیاست ما در درون شورا بر اساس پافشاری روی نظراتمن برای قبول آن از طرف نیروهای دیگر می‌باشد. ما این سیاست را برطبق بخش دوم این برنامه یعنی وظائف مارکسیست - لئینیست‌ها در شرایط کنونی به شکل اصولی پیش خواهیم برد.

گسترده‌تر باد مبارزه مسلحانه رهائی بخش و انقلابی مردم ایران

برای سرنگونی رژیم خمینی

مستحکم ترباد اتحاد عمل انقلابی تمام نیروهای انقلابی ضد امپریالیست و دمکراتیک پیروز باد شورای ملی مقاومت

گرامی باد خاطره‌ی همه‌ی شهدای بخون خفته‌ی خلق و شهدای پرافتخار
سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

مهدي سامع (بیژن)

عضو کمیته‌ی مرکзи سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

۶۴/۴/۵ کردستان

توضیحات

wwwiran-archive.com

توضیحات :

۱- فدائی شهید - رفیق کبیر امیر پرویز پویان

۲ - تدوین این برنامه را ما از روزهای بعد از پلنوم برای طرح در درون تشکیلات و بحث پیرامون آن به منظور پیشبرد مبارزه‌ی ایدئولوژیک در جهت تدارک کنگره‌ی دوم آغاز کردیم . حوادث بعدی و ضرورت انتشار بیرونی آن همراه با خنثی‌کردن توطئه‌های جریان سکتاریستی حاکم بر سازمان مدتی تدوین آن را به تأخیر انداخت و سرانجام در اوایل تیر ماه ۶۲ تدوین این برنامه در کردستان خاتمه یافت . پس از بررسی نهائی اکنون آن را قابل انتشار می‌دانیم . اگر چه ما خود را موظف به تشریح هر چه بیشتر این برنامه می‌دانیم ولی خوانندگان برنامه‌می‌توانند برای درک مهمنت آن به آثار زیر مراجعه نمایند .

الف - نبرد با دیکتاتوری شاه بمثاله‌ی عمدترين دشمن خلق و ژاندارم امپریالیسم - رفیق شهید بیژن جزئی

ب - سلسله مقالات "پرولتاریا و آزادی‌های دموکراتیک" مندرج در کار از شماره ۱۲۱ تا ۱۲۳

ج - برنامه‌ی جبهه‌ی فارابی‌مارتی برای انقلاب السالوادور مندرج در کار ۱۶۳

د - سلسله مقالات مندرج در "کار" در رابطه با مجلس موسسان ، و نیز مقالات مربوط به شعار "مرگ بر حزب جمهوری اسلامی"

ه - بخش اول سخنرانی لنین در هشتمنی کنگره‌ی حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره‌ی برنامه حزب که در آن لنین قشیرندی‌های مادون بورژوازی انحصاری را در ساخت امپریالیستی تشریح می‌کند .

و - مقالات مندرج در "ریگای گل" تحت عنوان "جنبش ملی دموکراتیک خلق کرد و مواضع ما "

ز - مقاله‌ی "مارکسیسم و مسئله‌ی ملی" مندرج در "ریگای گل" شماره‌ی ۵ نوشته‌ی یکی از رفقاء تحریریه‌ی "ریگای گل "

ح - مقاله‌ی "مسئله‌ی ارضی ، جنبش دهقانان و سیاست ما" مندرج در نشریه‌ی تئوریک داخلی (شماره‌ی ۲) نوشته‌ی یکی از رفقاء مرکزیت سازمان و نیز ۲ مقاله‌ی مندرج در نشریه‌ی تئوریک داخلی (شماره‌ی ۳) پیرامون شورای ملی مقاومت

۳ - آغاز تغییر جهانی در عصر در تاریخ جهان ، عصر بورژوازی و عصر

سوسیالیسم لینین مجموعه آثار جلد ۲۱ در پاسخ به نامه‌ی سرگشاده به یک متخصص بورژوازی (۱۹۱۹)

۴ - سرنگونی سرمایه‌داری و بقایای آن و تاسیس نهادهای نظام کمونیستی محتوی عصر نوینی از تاریخ جهان است که اینک آغاز شده است .
لینین مجموعه آثار جلد ۲۱ (۱۹۱۹)

۵ - (جنگ جهانی اول) ادامه‌ی سیاست‌های امپریالیستی دو گروه از قدرت‌های بزرگ بود . این سیاست‌ها مخلوط مناسبات عصر امپریالیستی بود و از آن نیرو می‌گرفت ، ولی خود این عصر می‌بایست به ناگزیر موجب پیدایش سیاست‌های مبارزه علیه ستمگری ملی و مبارزه‌ی پرولتاری علیه بورژوازی و متعاقب آن نیز احتمال و اجتناب ناپذیری در درجه‌ی نخست قیام‌ها و جنگ‌های ملی انقلابی و سپس جنگ‌ها و قیام‌های پرولتاریا علیه بورژوازی و ثالثاً ترکیب این هر دو نوع جنگ‌های انقلابی وغیره می‌شد و به آنها نیرو می‌بخشد .
لینین مجموعه آثار جلد ۲۳

۶ - "بدین ترتیب می‌توان دریافت که کلیه‌ی مسائل اصلی جنبش انقلابی در مستعمرات و نیمه‌مستعمرات دارای ارتباط نزدیک با مبارزه‌ی بزرگ تاریخی مابین دو رژیم سرمایه‌داری و سوسیالیسم می‌باشد . مبارزه‌ای که در حال حاضر در مقیاس جهانی از طرف امپریالیست‌ها علیه اتحاد شوروی سوسیالیستی و در داخل هر کشور سرمایه‌داری جداگانه مابین دستگاه حکمرانی طبقاتی بورژوازی و نهضت کمونیستی جریان دارد . در این مبارزه همکاری پرولتاریای انقلابی تمام جهان با توده‌های زحمتکش مستعمرات ، مطمئن‌ترین ضامن پیروزی بر امپریالیسم می‌باشد" . . . و یا "بدین نحو دوران امپریالیسم یعنی دوران جنگ‌ها و انقلابات ، به منزله افتتاح دورانی است که در طی آن دیکتاتوری پرولتاریا بوجود می‌آید و دورنمای کامل نوینی را برای تکامل مردم مستعمرات می‌گشاید" . . .

بخشی از تز شماره‌ی ۸ از تزهای ششمین کنگره انتربن‌اسیونال سوم (۱۹۲۸)
از ص ۱۵ کتاب کمونیست‌ها و جنبش‌های رهاتی بخش ملی

۷ - سیاست اصلی امپریالیسم حفظ هژمونی جهانی آنست (المدون)

۸ - مبارزه‌ی ملی ، قیام ملی و جدا شدن ملی کاملاً "تحقی یافتنی"
بوده و عملاً در دوران امپریالیسم مشاهده می‌شود و حتی می‌روند که شدت یا بند ، زیرا امپریالیسم توسعه‌ی سرمایه‌داری و افزایش گرایش‌های دموکراتیک

در میان توده‌های مردم را متوفق نمی‌سازد، بلکه آشتنی‌ناپذیری میان این تمایلات دموکراتیک و گرایش ضد دموکراتیک تراستها را حاد می‌کند.
لنین - کاریکاتوری از مارکسیسم و درباره‌ی اکونومیسم امپریالیستی (اوت - اکتبر ۱۹۱۶)

۹ - انتربن‌اسیونالیسم در کردار، یکی و فقط یکی است و آن هم کار بی‌دریغ در راه توسعه‌ی جنبش انقلابی و مبارزه‌ی انقلابی در کشور خویش و پشتیبانی (از راه تبلیغات و همدردی و مک مالی) از این مبارزه و این خط مشی و فقط این خط مشی بدون استثناء و در تمام کشورهاست.

لنین - وظایف پرولتاپیا در انقلاب ما (تاكید از لنین)

۱۰ - لیکن در کشورهای توسعه‌نیافته، در کشورهایی که آنها را، در مقوله‌ی دوم و سوم دسته‌بندی کردیم (پاراگراف ششم تزهایمان)، یعنی در تمام اروپای شرقی و همه‌ی مستعمرات و نیمه‌ی مستعمرات وضع طور دیگری است. در اینجاها طبق قاعده‌ی عام هنوز ملت‌های تحت ستم و توسعه‌نیافته از نقطه نظر سرمایه‌داری وجود دارند. در این ملت‌ها، هنوز بطور عینی وظایف ملی جامعی، و دقیق‌تر وظایفی دموکراتیک موجودند که عبارتند از کنار زدن بیغ ملت خارجی
لنین - کاریکاتوری از مارکسیسم و درباره‌ی اکونومیسم امپریالیستی (اوت - اکتبر ۱۹۱۶)

۱۱ - به بخش متحده‌ین پرولتاپیای ... از کتاب "نبرد با دیکتاتوری" شهید جزئی مراجعه شود.

"اگر قرار باشد مباحثه بی‌ثمر
نباشد، اگر قرار باشد مباحثه به
سطح رقابت‌های شخصی تنزل نکند،
اگر باید مباحثه به آشفته فکری
نیانجامد و اگر باید به مخدوش
کردن مرز میان دشمنان و دوستان
منجر نشود، مطلقاً ضروری است که
مسئله‌ی برنامه به بحث گذاشته شود".

لشین

"بدیهی است در این مبارزه آتش‌سی وجود ندارد.
همانطور که جنبش با رژیم پیغمبرانه می‌جنگد، همانطور که
تداوم اعمال قهر انقلابی سنگینای حیات جنبش و شرط
لازم برای تکامل آن است، همان طور هم مبارزه با
اپورتونیسم و هرگونه گرایش اتحادی در درون جنبش باید
دائماً ادامه یابد، با دگماتیسم بدون هراس مبارزه شود و
امکان داده نشود که جنبش در این آغاز جوانی خود به
عوارض پیرانه دچار شود. و به این خاطراست که در حال
حاضر مبارزه با اپورتونیسم راست که در بیرون از جنبش
مسلحانه کیم کرده است، از کانال مبارزه با اپورتونیسم
چب در درون جنبش انقلابی مسلحانه می‌گذرد و از این
طریق است که می‌توان اپورتونیسم را در چهره‌ی راست و
چب آن به ورشکستگی کشاند".

فادئی شهید رفیق کبیر بیژن حزبی